

ارف و چه باید کرد؟

اگر کارل ارف اینجا بود، چه می‌کرد؟

گمانه‌هایی در باب دورآموزی موسیقی کودک و بمران کووید۱۹



مامان، چرا نمی‌شه با دوستانم فلوت بزنیم؟

همین پرسش ساده در داستانی دراز ریشه دارد، داستانی از دورافتادگی و دل‌تنگی؛ از غصه‌ی بیماری دوستان و تشویش از سر نافوشی بستگان؛ از بازایستادن روند آموزش و کم‌سو شدن فانوس امید...

یکی از مهم‌ترین فصلت‌های کلاس موسیقی ارف این است که کودکان به‌صورت گروهی گرد هم می‌آیند و در مضرور همدیگر و با نگرستن و شنیدن هم یاد می‌گیرند که ساز بنوازند و آواز بفوانند. این ایده، ایده‌ای بود که در ذهن شماری از آموزگاران برجسته‌ی سده‌ی بیستمی زاده شد، از جمله کارل ارف، آهنگ‌ساز و آموزگار بزرگ آلمانی.

کارل ارف که بود؟

ارف در دهه‌ی ۱۹۲۰، به مدرسه‌ی گونتر (گوتترشوله) وارد شد و کار آموزگاری‌اش را از همان‌جا آغاز کرد. مدرسه‌ی گونتر زیر نظر فام دروتی گونتر اداره می‌شد و درواقع مدرسه‌ای بود برای آموزش ژیمناستیک و باله. ارف جوان از همان اول راه آموزگاری به‌فوبی دریافته بود که موسیقی با حرکت بدن رابطه دارد و برای همین هم برای آموزش موسیقی به چنین مدرسه‌ای گام گذاشت. وانگهی، اول سده‌ی بیستم بی‌شباهت به روز و روزگار ما نبود؛ در آغاز سده‌ی بیستم هم بمران همه‌گیری ویروسی اروپا و بسیاری دیگر از منطقه‌های کره‌ی زمین را در بر گرفت و شعله‌های شوم جنگ هم در گوشه‌های دور و نزدیک زمین زبانه می‌کشید. همین شد که کار مدرسه‌ی گونتر خیلی زود متوقف شد و فاکستر جنگ همه رنگ‌ها را پوشاند و ممو کرد.

پس از پایان جنگ در ۱۹۴۵، بار دیگر جهان روی فوش دید و کارل ارف هم باز دست‌به‌کار شد تا بار دیگر کار آموزش را از سر بگیرد. این بار به رادیوی ایالتی باواریا رفت و برنامه‌هایی برای این رادیو تولید کرد. دیری نگذشت که دانشگاه موتسارتئوم در سالزبورگ به پایگاهی برای ایده‌های ارف بدل گشت و در ۱۹۶۳، دانشکده‌ای تمام‌عیار به آموزش رهیافت کارل ارف اختصاص یافت.

همان‌طور که گفتیم، ارف تأکید داشت که موسیقی و حرکت‌های بدن با همدیگر رابطه دارند، اما رکن یا عنصر سومی هم در این میان وجود دارد؛ گفتار. درواقع بنیان آموزش ارف را می‌توان در پیوند این سه عنصر بازجست؛ موسیقی-گفتار-حرکت.

این آهنگ‌ساز بزرگ آلمانی تصور می‌کرد که روند آموزش موسیقی به کودکان باید با توجه به پیوند این سه رکن اساسی ادامه یابد. در ضمن او اصرار داشت که آموزش کودکان باید با سیر تاریخی رشد بشر مطابقت داشته باشد. یعنی باید از ساده‌ترین موسیقی‌ها آغاز کرد و سپس به موسیقی‌های پیچیده‌تر رسید. برای همین هم او کار را با آموزش قطعه‌های دو و سه‌نتی آغاز می‌کرد و در جریان این کار هم از حرکت‌ها و شعرهای متناسب بهره می‌گرفت.

برای این کار لازم بود تا از واژگان و حرکت‌هایی استفاده شود که برای کودکان آشناست. پس قطعه‌ها و شعرهایی سرایش کرد یا گرد هم آورد که در آموزش ریتم و وزن به کار بیاید و در عین سادگی یا به قول فودش بدوی بودن، رابطه‌ی واژگان و ریتم‌ها را به کودکان نشان دهد. تصور کنید که برای یاد دادن ریتمی مثلاً دوضربی، از اسم یکی از کودکان استفاده شود که نامی دوهجایی دارد، یا برای نشان دادن ریتم پیچیده‌تر از واژه‌ای سه‌هجایی. اجرای این ریتم‌ها هم در بسیاری مواقع با بشکن زدن و دست زدن و بدن‌کوبی (بادی پرکاشن) انجام می‌شود.



parsmusicinstitute



www.parsmusic.info

ارف و چه باید کرد؟

اگر کارل ارف اینجا بود، چه می‌کرد؟

گمانه‌هایی در باب دورآموزی موسیقی کودک و بمران کووید ۱۹



می‌توانید مدس بزیند که چنین فضایی تا چه اندازه به مضمون کودکان در کنار همدیگر وابسته است و چرا در فلوت و به صورت فصوصی نمی‌توان چنین آموزشی را به شکلی سزاوار پیدا کرد؛ نخستین مسئله این خواهد بود که کودک هیچ مرجع قیاسی نخواهد داشت. نکته‌ی مهم دیگر در شیوه‌ی آموزشی ارف به استفاده از بازی برمی‌گردد. در آغاز راه، تقریباً همه‌ی کارها با بازی انجام می‌شود. کافی است به فود سازهای ارف بنگرید تا متوجه شوید که ارف تا چه اندازه بر ساده بودن و بازی‌گونه بودن اعمال آموزشی تأکید داشت. در کلاس‌های ارف، برای آموزش مفهوم‌هایی چون آکسان، یا زیر و بمی، و دیگر مفاهیم موسیقایی از بازی‌های متناسب استفاده می‌شود.

فب همه‌ی این‌ها مستلزم مضمون کودکان بر سر کلاس است، اما امروز که ما در بند کووید-۱۹ گرفتار آمده‌ایم و به ناگزیر باید فاصله‌ی اجتماعی‌مان را رعایت کنیم، چگونه می‌توانیم به شیوه‌ی ارف پایبند بمانیم؟ اگر امروز کارل ارف در میان ما بود و با این بمران دست‌به‌گریبان می‌شد، چه می‌کرد؟ آیا صبر می‌کرد و آموزش را کنار می‌نهاد تا روزی که باز همه‌مان زیر یک سقف گرد هم آییم و آموزش را به همان سیاق ادامه دهیم، یا شیوه‌ای جایگزین می‌یافت؟

پیش‌تر اشاره کردیم که با زبانه کشیدن شعله‌های جنگ، مدرسه‌ی گونتر از مرکز بازایستاد و ارف هم به ناچار دست از کار کشید. حتی یکی از دوستان نزدیکش گفته است که او به‌کل از کار آموزشی مایوس شده بود و فقط در گوشه‌ی فلوت فود آهنگ‌سازی می‌کرد تا این‌که بهترین شاگردش در مدرسه‌ی گونتر، یعنی گونیلد کیتمن، او را از کنج عزلت بیرون آورد؛ اما راستش تردیدی نیست که اگر ارف امروز در میان ما بود و امکانی چون دورآموزی در اختیار داشت، تردیدی نیست که اکنون با تمام قوا داشت برای تداوم آموزش و بازنایستادن چرخ پرورش می‌کوشید. اگر کودکان در اتاق‌هایشان و به‌دوراز هم در برابر دوربین‌ها بنشینند و همان حرکت‌های ممدود و بازی‌های کوتاه‌شده را انجام دهند، باز هزاران بار بهتر است از توقف آموزش و انتظار برای سر رسیدن روزی دیگر.



parsmusicinstitute



www.parsmusic.info



ارف و چه باید کرد؟

اگر کارل ارف اینجا بود، چه می‌کرد؟

گمانه‌هایی در باب دورآموزی موسیقی کودک و بمران کووید ۱۹

قسمت نخست این یادداشت را در پیش‌تر مطالعه کردید و با سرگذشت و ایده‌ها و آرمان‌های کارل ارف آشنا شدید. در ادامه‌ی این یادداشت به دوران معاصر بازمی‌گردیم و مسئله‌ی آموزش از راه دور را در وضعیت فعلی بازخوانی خواهیم کرد.

مامان، چرا نمی‌شه با دوستانه فلوت بزنیم؟

همین پرسش ساده در داستانی دراز ریشه دارد، داستانی از دورافتادگی و دل‌تنگی؛ از غصه‌ی بیماری دوستان و تشویش از سر نافوشی بستگان؛ از بازایستادن روند آموزش و کم‌سو شدن فانوس امید...

ارف در خانه و ما...

فناوری‌ها همیشه دو سوی متفاوت داشته‌اند؛ از سویی امکان‌ها و افق‌های تازه‌ای پیش روی بشر گشوده‌اند و از سویی مشکل‌های زیست‌ممی‌تی و اجتماعی به ارمغان آورده‌اند. آموزش از راه دور هم از این قاعده دور نیست. از سویی در روزگار همه‌گیری و فطرهای ناشی از نزدیکی اجتماعی، بهترین کار ممکن این است که از پشت دوربین گرد تصاویر هم بنشینیم و از راه دور از مواهب آموزش گروهی بهره بگیریم، اما از سوی دیگر مسئله‌هایی با این کار به بار می‌آید؛ یکی‌اش ممدود شدن میدان حرکت است. یعنی به‌دشواری می‌توان همان آزادی حرکتی و رهایی رفتاری کلاسی را از پشت دوربین هم داشت. هنرمو در پشت دوربین به‌دشواری می‌تواند حرکت‌های بسیط انجام دهد و همچنان زیر نظر آموزگار باقی بماند. مسئله‌ی دیگر مسئله‌ی نیروی عاطفی و انگیزش گروهی است. هر کلاس ارف به نیروی هنرمویانش زنده است و یکی از مهم‌ترین کارهایی که آموزگار بر دوش می‌گیرد، هم‌افزودن نیروی یک‌یک هنرمویان به همدیگر است. فب از راه دور چگونه می‌توان بر این مسئله‌ها پیره شد؟

بیا بید تصور کنیم که کارل ارف امروز در میان ما بود و بنا داشت تا بر معضل همه‌گیری کووید-۱۹ و دشواری‌هایش غلبه کند. واقعا او چه می‌کرد؟



ارف و چه باید کرد؟

قسمت دوم
نگار بخش دوم

اگر کارل ارف اینجا بود، چه می‌کرد؟

گمانه‌هایی در باب دورآموزی موسیقی کودک و بزرگان کووید ۱۹

چه باید کرد؟

پیش از همه باید پرسید که آیا آموزش از راه دور موسیقی به‌راستی می‌تواند جای آموزش حضوری و به خصوص آموزش حضوری جمعی را پر کند؟ اکنون قریب به یک سال است که آموزش از راه دور، جانشین آموزش حضوری شده است و متی مدرسه‌ها و مراکز عمومی هم ناگزیر پناه بردن به فضای مجازی شده‌اند. فناوری‌های نو امکان مواجهه با فضای آموزشی را ممدود می‌کنند. یعنی هنرمویان از بازفوردهای عاطفی هنرآموزگار و همکلاسی‌هایشان (تا مدی) محروم می‌شوند و این امر سبب می‌شود که در مین دریافت یک نکته، نتوانند با مشاهده‌ی واکنش‌ها و بازفوردها، درستی یا نادرستی کنش خود را ارزیابی کنند. از سوی دیگر در مین سازنوازی و آوازخوانی، پدیده‌ی صوت‌شناختی یا آکوستیکی پیرامونشان کاملاً دگرگون می‌شود و فقط صدای ساز خودشان را به همان کیفیت طبیعی می‌شنوند و نمی‌توانند صدای هم‌نوازان خود را لمس کنند.

فب یکی از مهم‌ترین کارهایی که در مورد مسئله‌ی نفست باید انجام داد و به باور ما، اگر کارل ارف هم در میان ما بود، چنین می‌کرد، همین کاری بود که امروز در کلاس‌های دورآموزی ارف انجام می‌شود. یعنی بهره‌گیری از امکانات وسایل دورآموزی و آمیختن این وسایل با همان ابزار و وسایلی که از قبل در اختیار هنرآموزگار بوده است. اینجاست که هنرآموزگار آگاه به وضعیت فعلی باید به سراغ استفاده از ادواتی برود که کار را در انتقال عواطف و در نشان دادن بازفوردهای خود و هنرمویان به همدیگر آسان می‌سازد. برای نمونه، هنرآموزگار از عروسک‌ها یا نمادهایی بهره می‌گیرد تا میزان رضایت یا نارضایتی خود را از کیفیت کار هنرمو بیان بدارد. در این میان می‌توان از هنرمویان دیگر هم فواست تا آن‌ها هم وسایلی مشابه تهیه کنند و هرکس در فانه‌ی خود نمادی برای نشان دادن وضعیت عاطفی خود داشته باشد و بتواند میزان فشنودی را فاشنودی خود را به دیگران نشان دهد. موضوع کیفیت و آکوستیک هم موضوعی است که باید به‌واسطه‌ی چند عامل به شکلی بهینه گردد. از سویی لازم است تا هنرآموزگار از مجاری ارتباطی کم فلی استفاده کند که تا جای ممکن در مین فشرده‌سازی داده‌های صوتی، کیفیت این داده‌ها آسیبی نبیند. از سوی دیگر، لازم است تا هنرمویان هم به تجهیزات ففش و دریافت مناسبی مجهز باشند تا صدای دریافتی و پرداختی‌شان مقبول باشد و هم‌ی شنوندگان صدای کلاس بتوانند درک موسیقایی خود را از همان راه پرورش دهند و از مزایای هم‌نوازی بهره بگیرند.

البته مسئله‌هایی که ذکر شد، مسئله‌هایی است که بیشتر گریبان گروه‌های سنی کوچک‌تر و کلاس‌های ارف را می‌گیرد و وقتی پای آموزش ساز تفصی و کلاس فصوصی به میان می‌آید، مسئله‌ها کمی متفاوت است. به‌راستی برگزاری کلاس گروهی از راه دور امری است که شاید ناشدنی به گمان برسد، اما در سالی که گذشت، به کمک فناوری‌ها و تجهیزات نو، توانستیم کلاس‌های فصوصی را از راه دور به کلاس‌های گروهی بدل کنیم و بر مسئله‌های ریزودرشت آن پیره شویم. بی‌گمان مسئله‌ها هنوز بسیار است و پایان این راه، از چشم‌انداز فعلی معلوم نیست. شاید فیلی زودتر از آنچه به فیالمان می‌رسد، بازگردیم و به کلاس‌های سابق وارد شویم و باز برای یک قرن فراموش کنیم که بزرگان همه‌گیری یا بزرگان‌های مشابه، و مانع آموزش هر سده یک بار گریبان بشر را می‌گیرد؛ شاید هم همین تجربه برایمان درسی به همراه آورد و بتوانیم دورآموزی را بهینه کنیم و از مزایای آن بیشتر و بهتر بهره‌مند شویم.



parsmusicinstitute



www.parsmusic.info